

## اوباما و خاورمیانه: تحول راهبردی یا تغییر تاکتیکی؟

محمود مقدس\*

۴۹

### چکیده

انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۸ آمریکا به عنوان پدیده‌ای که در دهه‌های اخیر بی نظیر بوده، توجه بسیاری از مردم و رسانه‌های جهان را به خود جلب نموده است. این امر در کشورهای خاورمیانه نیز بازتاب‌های مختلفی داشته است؛ بسیاری از نویسندگان در خاورمیانه پیروزی اوباما را نشانه سرزندگی جامعه آمریکا، نیروی نظام دموکراتیک آن و قدرت رای دهندگان در تغییر جریان و روند سیاسی کشور قلمداد می‌کنند، و در مقابل عده‌ای نیز آن را بازی جدید نهادهای قدرت پشت پرده آمریکا می‌دانند. اما همه مباحث حول این پرسش است که پیامد انتخابات آمریکا در سیاست‌های مربوط به خاورمیانه چه خواهد بود. در واقع سیاست‌های چند سال گذشته آمریکا در منطقه نتایج مستقیم و غیر مستقیمی بر سیاست کشورها و زندگی مردم منطقه داشته است و کانون این توجه پس از روی کار آمدن اوباما را می‌توان نوع راهبرد احتمالی وی در خاورمیانه دانست. پرسش مقاله حاضر نیز در رابطه با این موضوع این است که راهبرد نوین آمریکا در خاورمیانه چه خواهد بود. فرضیه مقاله این است که راهبرد اوباما در اساس، تفاوت چندانی با بوش نخواهد داشت که این امر نشان دهنده اجماع میان حزبی بر سر منافع حیاتی آمریکا در خاورمیانه است. با وجود طرح شعار تغییر از سوی اوباما راهبردهای دولت وی در منطقه همچنان بر مبارزه با تروریسم، حمایت از اسرائیل، مهار ایران و سوریه، تامین امنیت انرژی و حضور نظامی در منطقه متمرکز خواهد شد. با این توضیح و تفاوت که یک جانبه‌گرایی به عنوان شاخص سیاست‌های دولت بوش جای خود را به چندجانبه‌گرایی می‌دهد.

**کلید واژگان:** راهبرد چندجانبه‌گرایی، فرایند صلح اسرائیل - فلسطین، ایران، عراق، افغانستان

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.  
فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی، سال یازدهم، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۸، صص ۶۶-۴۹.

## اوباما و خاورمیانه: دو دیدگاه

با توجه به تمام بحث‌های مطرح شده در مورد مشی جدید اوباما در خاورمیانه می‌توان دو احتمال را صادق دانست که هر یک بر استدلال‌هایی استوار است. از یک سو، و با نگاهی خوش بینانه، می‌توان آن را سر آغاز تحولی همه جانبه در سیاست‌های آمریکا دانست و از سوی دیگر، با در نظر گرفتن پیشینه رفتار آمریکا در منطقه نباید امید چندانی به تغییرات گسترده داشت. برای دیدگاه دوم می‌توان چنین استدلال نمود که:

● امنیت اسرائیل و دستیابی آن به نفت خلیج فارس از منافع راهبردی دائمی آمریکاست که با تغییر دولت تغییر نخواهد کرد. این منافع مستلزم ادامه حضور نظامی آمریکا در منطقه و به حاشیه کشاندن مخالفان منطقه‌ای است.

● این منافع از ایفای نقش غیر جانبدارانه آمریکا در فرایند صلح اعراب-اسرائیل که حقوق اعراب و فلسطینی را به رسمیت بشناسد، ممانعت خواهد کرد. آمریکا کشورهایی چون ایران و سوریه و گروه‌های مقاومت فلسطینی و لبنانی را تا زمانی که سیاست‌های خود را تغییر ندهند، نخواهد پذیرفت.

● اوباما پرورده آمریکا و گروه‌های ذی نفع آن است. کسانی که امیدوارند او از این منافع روی بگرداند خیال پردازانی هستند که ماهیت واقعی سیاست‌های آمریکا و برنامه‌های راهبردی بلند مدت آن را نمی‌شناسند.

● تا زمانی که سیاست مداران طرفدار اسرائیلی چون ردام امانوئل و جوزف بایدن سکان تصمیم‌گیری را در دست دارند تغییر در سیاست‌های آمریکا ناممکن است.

اما در مورد دیدگاه نخست می‌توان گفت که تعهد آمریکا به حمایت از اسرائیل مانع از حمایت هم‌زمان از تلاش‌های دیپلماتیک که برخی از نیازهای اعراب و فلسطینیان را رفع می‌کند، نخواهد شد. به علاوه، دستیابی مطمئن به نفت به شیوه‌های مختلفی امکان پذیر است؛ از جمله تشکیل اتحاد‌های راهبردی با سران عرب در خلیج فارس به منظور مهار تهدیدهای سایر بازیگران منطقه‌ای چون ایران و عراق و نه استفاده مستقیم از نیروی نظامی.<sup>۱</sup> بنا بر این دیدگاه می‌توان در انتظار تغییرات مهمی بود.

اوباما در ماه مه ۲۰۰۷ در مصاحبه با دیوید بروکز، خبرنگار نیویورک تایمز، گفت: در

بحث بین ایدئولوژی و واقع گرایی در سیاست خارجی، من همدلی بسیاری با سیاست خارجی دولت جورج بوش پدر دارم، دولتی که به زعم فرید زکریا یکی از سرسخت ترین دولت‌ها در حافظه تاریخی آمریکا محسوب می شود.<sup>۲</sup> این امر نشان از عمل گرایی اواما و نیز جایگزین شدن دیدگاه چند جانبه گرایی به جای یک جانبه گرایی دارد؛ چرا که دولت بوش پدر یادآور ائتلافی چند ملیتی برای جنگ علیه عراق است. به عبارتی، همکاری سازمان یافته با دیگر بازیگران در کنترل مناقشات منطقه ای را می توان یکی از محورهای جهت گیری سیاست خارجی-امنیتی آمریکا دانست. جورج بوش از الگوی مبتنی بر یک جانبه گرایی در روند امنیت منطقه ای بهره برد، در حالی که مذاکرات اواما با حامد کرزی، مقامات کویتی، رهبران دولت عراق، ملک عبدالله و ایهود اولمرت نشان می دهد که وی از الگوی مشارکت منطقه ای و چندجانبه گرایی در حل بحرانهای امنیتی پیروی خواهد کرد. اواما در تبیین ضرورت‌های چندجانبه گرایی برای حل مناقشات منطقه ای بر این موضوع تاکید دارد که کشورهای ذینفع باید در روند بحرانهای منطقه ای مشارکت فعال داشته باشند. صرفاً در چنین شرایطی است که می توان از تشدید انفجار آمیز مناقشات جلوگیری کرد. در غیر این صورت بحرانهای منطقه ای می تواند جایگاه و موقعیت آمریکا را تضعیف کند. در این شرایط آمریکا صرفاً از طریق چندجانبه گرایی می تواند با دوستان و شرکای خود همکاری کند.<sup>۳</sup>

از سوی دیگر گفتمان مبارزه با تروریسم یکی دیگر از محورهای جهت گیری سیاست خارجی-امنیتی آمریکا خواهد بود. اواما را یک باز بی پروا در مورد جنگ با تروریسم و افزایش نیروی نظامی آمریکا می دانند، وی خواهان افزایش ۶۵۰۰۰ سرباز به نیروی زمینی و ۲۷۰۰۰ سرباز به نیروی دریایی است. او گفته است برای شکست القاعده، یک نیروی نظامی قرن بیست و یکمی و شراکت قرن بیست و یکمی به قدرتمندی ائتلاف ضد کمونیستی، که پیروز جنگ سرد شد، برای مبارزه در هر جا از جیبوتی گرفته تا قندهار ایجاد خواهم کرد. چنان که گفته است که در صورت لزوم در استفاده از نیروی نظامی درنگ نخواهد کرد.<sup>۴</sup> برای بررسی بیشتر این موضوع در بخش بعدی سیاستهای احتمالی اواما در قبال کشورهای منطقه از خلال اظهارات و سخنرانیهای وی قابل تحلیل است.

## سیاستهای اوباما در منطقه

باراک اوباما در تدوین و ارایه سیاستهای جدید خود در خاورمیانه با مجموعه ای از مشکلات پیچیده و مهم در منطقه روبه رو خواهد بود؛ از جمله عراق، ایران، فرایند صلح اسرائیل و فلسطین، دولتهای ضعیف در لبنان، گروههای اسلامی در فلسطین و تحلیل رفتن جایگاه آمریکا در منطقه. از این رو وی در تدوین سیاستهای دولت خود بر این موضوعات تاکید خواهد کرد.

## عراق

۵۲

شاید به جرات بتوان گفت هیچ یک از سیاستهای آمریکا در منطقه به روشنی خط مشی وی در مورد عراق نیست. شاید این امر به علت لمس مستقیم نتایج سیاستهای بوش در حمله به عراق از سوی مردم آمریکا باشد که شعار خروج از عراق را به یکی از مهم ترین محورهای مبارزات انتخاباتی اوباما بدل کرده بود، شعاری که طرفداران بسیاری در آمریکا داشت. جنگ عراق از جنگهای اول و دوم جهانی و جنگهای داخلی آمریکا طولانی تر شده است. بیش از ۴۰۰۰ آمریکایی در طول این جنگ کشته و بیش از ۶۰۰۰۰ نفر مجروح و زخمی شده اند. آمریکا حدود ۲/۷ تریلیون دلار در عراق هزینه کرده و این در شرایطی است که هنوز امنیت آمریکا به طور کامل تامین نشده است.<sup>۵</sup>

در اکتبر ۲۰۰۲ و در زمانی که سناتور کلینتون و جان ادواردز در واشینگتن برای دادن اجازه حمله به عراق به جورج بوش تلاش می کردند، اوباما در کی واقع گرایانه تر از وضعیت پیش رو داشت. باراک اوباما که در آن زمان سناتور ایالت ایلینویز بود در یک سخنرانی گردهمایی ضد جنگ در شیکاگو گفت: صدام هیچ تهدید فوری و مستقیمی برای آمریکا یا همسایگانش نیست. وی با تشخیص این نکته که بدیل‌های دیگری غیر از گزینه نظامی نیز وجود دارد، از ایالات متحده خواست تا اجازه دهد بازرسان سازمان ملل کار خود را انجام دهند. وی در آن سخنرانی ابراز داشت که اقتصاد عراق اسف بار است، ارتش عراق تحلیل رفته و با ائتلاف جامعه بین المللی می توان صدام را مهار نمود. به علاوه، برخلاف دیگر حامیان جنگ با عراق که معتقد بودند «جنگ موفقیت آمیز با عراق مستلزم اشغال آن توسط

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

آمریکا برای مدتی نامعلوم با هزینه نامعلوم و عواقبی نامعلوم است»، وی معتقد بود که حمله به عراق بدون دلیل واضح و بدون حمایت نیرومند بین المللی تنها آتش اختلافات را در خاورمیانه شعله ور خواهد کرد و موجب تجدید قوای القاعده خواهد شد. البته اوباما پس از ورود به سنای آمریکا از اختصاص بی قید و شرط بودجه به جنگ عراق در سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ حمایت کرد. وی تنها یک سال پس از ورود خود به سنا سخنرانی ای در مورد جنگ کرد و در آن خواستار کاهش نیروهای نظامی در عراق شد، اما جدول زمان بندی ارایه نکرد. تنها پس از ارایه گزارش بیکر و همیلتون در مورد عراق بود که اوباما لایحه ای برای زمان بندی خروج نیروها ارایه داد. وی در سخنرانی خود در برابر شورای امور جهانی شیکاگو در ۲۰۰۶ ادعای دولت بوش را مبنی بر اینکه هدف آمریکا نه نفت و امپراتوری که پیشبرد دموکراسی بوده پذیرفت، اما دولت بوش را به این خاطر که با هدف تحقق رویاهای غیر واقع گرایانه دموکراسی و امید به حکومتی بهتر گزینه حمله را انتخاب کرده، مورد انتقاد قرار داد. به رغم نتایج نظرسنجیها که حاکی از خواست آمریکایی ها به خروج سریع از عراق بود، وی تایید کرد که نیروهای آمریکایی شاید برای مدتی طولانی در عراق بمانند. وی در یکی از سخنرانیهای انتخاباتی خود گفت: هیچ راه حل نظامی برای عراق نبوده و نیست. بهترین راه محافظت از امنیت مان و فشار بر رهبران عراقی برای حل جنگ داخلی شان بیرون کشیدن نیروهایمان است؛ نه شش ماه بعد یا سال دیگر که همین حالا. ما ابتدا باید به دقت نیروهای خود را از مناطق آرام بیرون بکشیم و در مناطق آشوب زده این کار را به تعویق بیندازیم. باید در هر ماه یک تا دو تیپ را از عراق خارج کنیم.<sup>۷</sup>

باراک اوباما و جو بایدن راهبرد خود در عراق را این گونه تشریح نمودند: ما باید به همان اندازه که در ورود به عراق بی احتیاط بودیم در خروج از آن سنجیده عمل کنیم. به محض ورود به کاخ سفید به وزیر دفاع و فرمانده هان نظامی ماموریت جدیدی محول خواهد شد که همان پایان دادن به جنگ است. خروج نیروها باید گام به گام باشد و با مشارکت مقامات عراقی اجرا شود. کارشناسان نظامی معتقدند می توان از نیروهای عراقی استفاده نمود. این خروج تدریجی ۱۶ ماه طول خواهد کشید یعنی تا تابستان ۲۰۱۰، هفت سال پس از آغاز جنگ. بنا بر طرح اوباما - بایدن، یک نیروی دائمی در عراق و منطقه باقی خواهد ماند

تا ماموریت‌های ضد تروریستی علیه القاعده را رهبری کند و از پرسنل غیر نظامی و دیپلماتیک آمریکا محافظت نماید. آنها پایگاه دائمی در عراق ایجاد نخواهند کرد، بلکه به آموزش نیروهای عراقی خواهند پرداخت تا رهبران عراقی و رای فرقه گرایي شان به آشتی دست یابند.<sup>۸</sup> اوباما همین موضع را در مقاله خود در نشریه فارین افرز تکرار کرد: ما تنها باید حداقلی از نیروها برای محافظت از پرسنل و تجهیزات خود در منطقه باقی بگذاریم، آموزش نیروهای عراقی را ادامه دهیم و ریشه القاعده را بخشکانیم. با این حال وی تاکید می کند که «ما به دنبال ایجاد پایگاه‌های دائمی در عراق نیستیم.»

در مجموع باید خاطر نشان کرد اوباما اغلب این حقیقت را که برخلاف سناتورها بایدن، مکینتون، ادواردز و کریستوفر داد هرگز به اجازه حمله به عراق در سال ۲۰۰۲ از سوی کنگره رای نداده، به عنوان برگ برنده خود برای جلب آرای میلیونها آمریکایی خسته از جنگ مورد اشاره قرار داده است. موضع ضد جنگ وی همواره بر پایه این فرض بوده که شیعیان و سنی‌های عراق می خواهند اختلافات خود را بدون حضور نیروهای آمریکایی حل و فصل کنند، به ویژه اگر تحت فشار این کار از طریق تهدید عقب نشینی آمریکا قرار بگیرند، و تنها راه مناسب کاربرد این فشار با هدف شروع به یک عقب نشینی گام به گام نیروهای آمریکایی با هدف خروج همه نیروها تا ۳۱ مارس ۲۰۰۸ خواهد بود. با این حال وی مخالف خروج کامل نیروهاست.<sup>۹</sup>

## ایران

باراک اوباما رئیس جمهوری جدید آمریکا در مصاحبه خود با تلویزیون العربیه دبی از دراز کردن دست دوستی به سوی ایران سخن گفت. وی گفت: اگر ایران مشت خود را باز کند دست دوستی آمریکا به سوی آن دراز است. رفتار ایران به صلح در منطقه کمک نمی کند؛ تهدید اسرائیل، تلاش برای دستیابی به سلاحهای هسته‌ای که ممکن است به مسابقه تسلیحاتی در منطقه بینجامد و امنیت منطقه را به خطر بیندازد و همچنین حمایت از گروه‌های تروریستی. اما به نظر من مذاکره با ایران بسیار مهم است. ما باید اختلاف نظرهایمان را بیان کنیم، ولی بر مجراهای بالقوه برای پیشبرد گفت و گوها هم تاکید کنیم. ما

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

در چند ماه آینده چارچوب و شیوه برخورد با ایران را تعیین خواهیم کرد. همان گونه که در سخنرانی تحلیف گفتم اگر کشورهای مثل ایران مشت گره کرده خود را باز کنند دست دوستی ما را خواهند دید که به سویشان دراز شده است.<sup>۱۰</sup> اما مسئله اینجاست؛ اگر ایران مشتش را باز نکند چه اتفاقی خواهد افتاد؟

سوزان رایس، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد، تلاش برای متقاعد کردن ایران به تغییر رویه برنامه هسته ای را از اولویتهای کاری خود عنوان کرد: ما هر کاری را که برای ادامه فشار به منظور پایان دادن به برنامه هسته ای ایران لازم و مناسب باشد در نظر می گیریم. دیپلماسی و مذاکره باید با پیام جدی آمریکا و جامعه جهانی همراه باشد. ایران باید به تعهداتی که شورای امنیت تعیین کرده، پایبند باشد. ادامه سر باز زدن از این تعهدات تنها موجب افزایش فشار به ایران خواهد شد.<sup>۱۱</sup>

در مدت اخیر مطالعات متنوع و توصیه هایی مربوط به ایران منتشر شده که اغلب بازتاب همان مواردی است که در طول این سالها در خاورمیانه مطرح شده است: تعامل با ایران از طریق کانالهای دیپلماتیک عادی، برخورد همراه با احترام متقابل و در چارچوب قوانین بین المللی و روابط سازنده بر پایه حقوق برابر. یکی از مهم ترین مقالاتی که در این زمینه منتشر شده است مقاله ای است با عنوان آیا تعامل سازنده ممکن است؟ از سوی بنیاد صلح کارنگی و در آن اشاره شده است که واشینگتن و تهران درباره چند مسئله مشترک مانند عراق، بازارهای انرژی، گسترش سلاحهای هسته ای، منازعه اعراب و اسرائیل و تروریسم منافع تنگاتنگ مهمی دارند. توصیه مقاله این است که آمریکا باید در مورد مسایل مشترکی که برای دو طرف حایز اهمیت است تعامل سازنده ای را شروع کند.

در همین حال بعد گروهی از کارشناسان مجرب آشنا به مسایل ایران و خاورمیانه، متشکل از چهار سازمان غیر دولتی و ۲۰۰ پژوهشگر برجسته همچون تامس پیکرینگ، جیمز رابینز و گری سیک، گزارش دیگری در مورد ایران منتشر کردند و به این نکته اشاره کردند که به مدت دو دهه سیاستهای آمریکا برای مدیریت ایران از طریق انزوا، تهدید و تحریمها نه تنها گرهی از روابط دو کشور را حل نکرده، بلکه بدتر نیز نموده است. به اعتقاد این پژوهشگران مطالعات نشان می دهد که حمله نظامی می تواند به کشته شدن غیرنظامیان،

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

افزایش افراط‌گرایی، تهدید منافع امنیتی آمریکا و اسرائیل منجر شود، در حالی که مجازات‌های اقتصادی ایران را وادار به تغییر سیاست‌های آن خواهد کرد. آنها شیوه دیگری برای موفقیت پیشنهاد می‌کنند که گشودن درها برای مذاکرات مستقیم، بی‌قید و شرط و گسترده در سطح دیپلماتیک ارشد است. تعاملات پایدار امنیت ملی آمریکا را تقویت خواهد نمود تا تهدید و جنگ علیه ایران.<sup>۱۲</sup>

ریچارد هاس، رییس شورای روابط خارجی آمریکا، در مقاله‌ای که به اتفاق مارتین ایندایک در فارین افرز در مورد راهبرد های اوباما در خاورمیانه نوشت، عنوان کرد که اوباما برای تغییر رفتار ایران به ویژه در زمینه برنامه هسته‌ای به طور مستقیم با ایران مذاکره خواهد کرد؛ چرا که به سایر بدیلها امید کمتری می‌رود. تحریمها نتوانست ایران را از مسیرش دور کند. یک حمله نظامی پیش‌دستانه به تاسیسات هسته‌ای ایران در بهترین حالت تنها برنامه‌های ایران را چند سال به تاخیر خواهد انداخت، ولی در عوض نیروهای آمریکایی در عراق و افغانستان را در معرض حملات تلافی جویانه قرار خواهد داد. هیچ‌گونه چشم‌انداز واقعی برای تغییر رژیم در ایران وجود ندارد، نه از طریق اقدام نظامی و نه با حمایت از جریانهای داخلی. هاس پیش‌بینی می‌کند راهبرد اوباما در قبال ایران عبارت خواهد بود از هویج کاهش تحریمها، تضمین های امنیتی و عادی سازی روابط با آمریکا و جامعه بین‌المللی در کنار چماق افزایش تحریمها مانند تحریمهای اقتصادی و جلوگیری از صادرات بنزین.<sup>۱۳</sup>

خود اوباما در مقاله‌ای که در فارین افرز در مورد سیاست‌هایش نوشت، ابراز داشت تا وقتی که گزینه حمله متعارف وجود دارد گزینه حمله اتمی علیه ایران نباید روی میز بیاید. مذاکره مستقیم با ایران یک الزام است. وی نوشت: «اگرچه استفاده از نیروی نظامی نباید از دستور کار خارج شود، اما نباید از مذاکره مستقیم با ایران خودداری کرد. هدف دیپلماسی ما باید افزایش هزینه برای ایران در پیگیری برنامه اتمی از طریق کاربرد هم‌زمان تحریمها و فشارهای فزاینده از سوی شرکای عمده تجاری آن کشور باشد. جهان باید برای توقف برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران و جلوگیری از دستیابی به سلاحهای هسته‌ای تلاش کند. در مقابل، اوباما روابط دیپلماتیک با ایران، همکاری اقتصادی و تضمین های امنیتی و خروج ایده تغییر رژیم ایران از دستور کار سیاست خارجی آمریکا را ارایه می‌کند.»<sup>۱۴</sup>



اوباما در سخنرانی سال گذشته خود در آپیک دولت بوش را به خاطر سیاست خصمانه اش علیه ایران نکوهش کرد و نسبت به اقدام نظامی علیه ایران هشدار داد. وی خاطر نشان کرد سلاحهای هسته ای ایران منطقه را بی ثبات خواهد کرد و سبب ساز دور تازه ای از رقابت تسلیحاتی خواهد شد. برخی کشورها همچون مصر، ترکیه و عربستان سعودی وارد یک رقابت اتمی خواهند شد. البته وی نگفت که چرا با اینکه خود اسرائیل به مدت ۳۵ سال دارای سلاحهای هسته ای است، رقابت تسلیحاتی وجود نداشته اما با دستیابی ایران به سلاحهای اتمی این کشورها ناگهان به فکر رقابت تسلیحاتی خواهند افتاد. وی معتقد است ما نباید گزینه نظامی را روی میز بگذاریم. گزینه ای که هنوز تایید نکرده ایجاد یک منطقه عاری از سلاحهای هسته ای در خاورمیانه مشابه آنچه در آمریکای لاتین، آفریقا، آسیای مرکزی و آسیای جنوب شرقی هست، می باشد. وی در سخنرانی خود در آپیک گفت که دیپلماسی پایدار و رو به جلو همراه با تحریمهای سخت ابزارهای اصلی برای ممانعت ایران از دستیابی به سلاحهای هسته ای است. با این حال سؤال اینجاست که چرا وی این دیپلماسی رو به جلو همراه با تحریمهای سخت را برای اسرائیل، هند و پاکستان در نظر نگرفته است.<sup>۱۵</sup>

نکته جالبی که باید به آن اشاره کرد هم پوشانی منافع ایران و آمریکا در منطقه است. حمله آمریکا به عراق و افغانستان مهم ترین دشمنان منطقه ای ایران را نابود کرد و زمینه برتری و افزایش قدرت ایران را در منطقه فراهم نمود. لذا می توان گفت این دو کشور منافع راهبردی مشترکی در منطقه دارند. اما با قدرت گیری ایران، طالبان و دولتهای عرب احساس می کنند که شاهد تلاش دوباره ایران برای برتری در منطقه اند و نگرانند که قدرت گیری شیعیان در عراق و لبنان الهام بخش دیگر شیعیان سرکوب شده خواهد شد.

نکته دیگری که اوباما در سیاست خود در مورد ایران مد نظر قرار خواهد داد، دغدغه اسرائیل از اتمی شدن ایران و برخورد های احتمالی آتی است. دستیابی ایران به سلاح هسته ای انحصار اتمی اسرائیل را خدشه دار خواهد کرد و شاید این کشور را تحریک به حمله نظامی به ایران کند. تلافی ایران می تواند به جنگ در لبنان، بسته شدن تنگه هرمز، افزایش بهای نفت و حمله به نیروهای آمریکایی در عراق و افغانستان منجر شود. در همین حال، مصر و عربستان سعودی و ترکیه نیز برنامه های اتمی خود را شتاب خواهند بخشید. اسرائیل به

خوبی از عواقب حمله نظامی به ایران آگاه است به ویژه اگر مجبور باشد این کار را به تنهایی انجام دهد. با توجه به جمعیت و وسعت کم اسرائیل، ضربه اول ایران پیامدهای فاجعه باری خواهد داشت. اوباما باید اسرائیل را از این تصمیم دست کم تا زمان مذاکره با ایران بازدارد.

وابستگی اقتصاد آمریکا به نفت دلیل اصلی نگرانی آمریکا از مسایل خاورمیانه است. این احتمال نیز وجود دارد که اوباما با پیگیری برنامه هایی در جهت کاهش مصرف انرژی و استفاده از منابع جایگزین انرژی، نیاز به واردات نفت و ریختن پول به دامان ایران جلوگیری کند. به نظر، این اتفاقی نیست که در دهه ۱۹۹۰ وقتی قیمت نفت بشکه ای ۱۰ دلار بود، مقامات ایرانی رفتار محتاطانه تری داشتند تا دهه کنونی. کاهش مصرف نفت می تواند محیط راهبردی در منطقه را تغییر دهد. در جهان امروز سیاست خارجی یعنی سیاست انرژی.<sup>۱۶</sup>

اگر چه هنوز جزییات راهبرد اوباما در قبال ایران مشخص نشده، اما اظهارات وی در این مدت نشان دهنده تغییر چندانی نسبت به سیاستهای بوش نیست، هر چند تاکید بیشتر بر مذاکره تا حدودی نشان از تغییر دارد، اما می توان گفت این تنها تغییر در تاکتیک هاست و نه استراتژی؛ چرا که اهداف آمریکا با تغییر رییس جمهور عوض نشده بلکه تنها شیوه های دستیابی به این اهداف تغییر کرده است. با توجه به مباحث مطرح شده به نظر می رسد پیش بینی ریچارد هاس و مارتین ایندایک در خصوص مشی اوباما در قبال ایران به حقیقت نزدیک تر باشد: هویج کاهش تحریمها، تضمین های امنیتی و عادی سازی روابط با آمریکا و جامعه بین المللی در کنار چماق افزایش تحریمها. اما نکته قابل توجه میزان حمایت جامعه جهانی از تصمیمات اوباما در خصوص ایران با توجه به محبوبیت وی خواهد بود. انتخاب اوباما به ریاست جمهوری آمریکا قدرت نرم این کشور را افزایش داده که در صورت تصمیم به اقدامات سخت تر، هزینه های احتمالی برای ایران، به سبب همراهی جامعه بین المللی، سنگین تر از دوران بوش خواهد بود.

پژوهشگران موسسه بروکینگز معتقدند که باراک اوباما باید سیاست خارجی کشور در خاورمیانه را در پی پیمان امنیتی عراق - آمریکا تغییر دهد. سیاست خارجی آمریکا در شش سال گذشته منحصر بر عراق متمرکز بوده اما به نظر نمی رسد این اولویت در دولت اوباما ادامه یابد. در عوض، راهبرد خاورمیانه ای باید در پی ایجاد موازنه ای در خصوص عقب نشینی

نیروها باشد، به نحوی که منطقه را قادر سازد در مقابل تهدیدات ایران و القاعده مقاومت کند و نیروهای آمریکا را قادر به مانور در منطقه کند. دولت اوباما نیازمند تغییر تمرکز از عراق به ایران است.<sup>۱۷</sup>

### سوریه

سوریه به باور آمریکا کانال اصلی نفوذ ایران در لبنان و فلسطین است، بنابراین مذاکرات سوریه و اسرائیل این کانال را تهدید خواهد کرد. دور کردن سوریه از ایران، تهران را از ارتباط با متحدان خود یعنی حماس و حزب الله، محروم خواهد ساخت. چنین راهبردی نفوذ ایران در منطقه و حمایت از حماس و حزب الله را کاهش خواهد داد. مذاکرات صلح سوریه با اسرائیل نباید پیچیده تر از مسئله فلسطین باشد. ایهود اولمرت در زمان نخست وزیری خود پیشنهاد عقب نشینی از بلندیهای جولان را داده بود و رهبران دو حزب اصلی اسرائیل ایهود باراک و بنیامین نتانیاهو که نخست وزیر فعلی اسرائیل است، پیشنهادهای مشابهی به پدر بشار اسد در دهه ۱۹۹۰ ارایه کرده بودند.<sup>۱۸</sup> دیوید ایگناتیوس که چندی پیش با بشار اسد مصاحبه کرد در واشینگتن پست این گونه نوشت که اسد خواهان یک شروع دوباره با آمریکا پس از انتخاب اوباما است. ایگناتیوس گفته که دمشق امیدوار است دولت جدید بیشتر بر مسئله فرایند صلح فلسطین-اسرائیل تمرکز کند و از مذاکرات غیر مستقیم سوریه با اسرائیل حمایت کند.<sup>۱۹</sup>

این احتمال می رود که اوباما از ترکیه در جهت ارتقای مذاکرات صلح سوریه و اسرائیل بهره بگیرد. ترکیه یکی از هم پیمانان ناتو است و مرزهای مشترکی با عراق، ایران و سوریه و روابط راهبردی دیرینه ای نیز با اسرائیل دارد. ترکیه در خلاء دولت بوش به میانجی گری مذاکرات غیرمستقیم سوریه و اسرائیل نیز پرداخته است. این کشور به نیروهای حافظ صلح در لبنان یاری رسانده و خواهان مشارکت در غزه و کرانه باختری است، بنابراین می تواند نقش مهمی در این روند داشته باشد. مذاکرات صلح سوریه و اسرائیل با میانجی گری آمریکا دمشق را از فهرست دشمنان آن خارج خواهد کرد و اتحاد سوریه-ایران را بر هم خواهد زد. اما این امر تنها در صورتی امکان پذیر است که دولت اوباما در مذاکرات درگیر شود؛ چرا که

سوریه روابط راهبردی خود را با ایران قطع نخواهد کرد؛ مگر اینکه اطمینان یابد روابطش با آمریکا عادی و خواسته‌هایش تامین می‌شود.<sup>۲۰</sup>

### اسرائیل - فلسطین

مسئله صلح اسرائیل - فلسطین همواره پاشنه آشیل دولتهای مختلف آمریکا بوده است، به طوری که میزان موفقیت آنها با توفیق یا عدم توفیق آنها در حل این منازعه طولانی تعریف شده است. اوباما در اوایل کار رویکردی نسبتاً متوازن در خصوص منازعه فلسطین - اسرائیل داشت. برای مثال، در خلال مبارزات موفقیت آمیزش برای نمایندگی کنگره در سال ۲۰۰۰ دولت کلینتون را برای حمایت بی قید و شرط از اشغال و سایر سیاستهای اسرائیل مورد انتقاد قرار داد و خواستار رویکردی عادلانه و منصفانه در حل منازعه فلسطین - اسرائیل شد. وی به «چرخه خشونت» میان اسرائیل و فلسطین اشاره می‌کرد، در حالی که اکثر دموکرات‌ها به «خشونت از سوی فلسطینیان و پاسخ از جانب اسرائیل» معتقد بودند. اما در خلال دو سال گذشته اوباما به نحو گسترده‌ای موضعی در حمایت از دولت اسرائیل اتخاذ کرده است. اوباما باره درخواست میانه روی‌های اسرائیلی از آمریکا برای استفاده از نفوذ خود جهت فشار بر دولت اسرائیل به منظور پایان بخشیدن به شهرک سازی و اشغال کرانه باختری و موافقت با عقب نشینی از مناطق اشغالی در عوض تضمین‌های امنیتی، بر این نکته پافشاری کرده است که «ما هرگز نباید به دنبال دیگته کردن آنچه فکر می‌کنیم درست است بر اسرائیل و منافع امنیتی‌شان باشیم».<sup>۲۱</sup> البته اوباما نسبت به سایر نامزدهای ریاست جمهوری هم دردی بیشتری با فلسطینیان نشان داده است. وی خطاب به مردم آیووا گفت هیچ کس بیش از مردم فلسطین در رنج و عذاب نیست ولی او حماس را به خاطر توقف مذاکرات صلح و دولت بوش را نیز به دلیل فراموش کردن مسئله اسرائیل - فلسطین مورد انتقاد قرار داد. ضمن اینکه اوباما هرگز مایل نیست حمایت یهودیان آمریکا را از دست بدهد: نقطه شروع ما باید همواره تعهد شفاف و محکم به امنیت اسرائیل قوی‌ترین متحد ما و تنها دموکراسی منطقه باشد.<sup>۲۲</sup>

به علاوه، وی باره درخواستهای فعالان حقوق بشر مبنی بر اینکه کمکهای نظامی آمریکا به اسرائیل مانند همه کشورها باید مشروط به رعایت حقوق و قوانین بشر دوستانه

بین‌المللی باشد، خواهان کمک نظامی تمام و کمال به اسرائیل است. وی در قبال حملات گسترده اسرائیل به زیرساختهای شهری لبنان که با انتقادات گسترده بین‌المللی همراه بود، از اسرائیل دفاع کرد و حزب الله را مسئول مرگ ۸۰۰ شهروند لبنانی دانست.<sup>۲۳</sup>

به نظر می‌رسد رویکرد اوباما در این مورد با دشواریهای زیادی مواجه است. نادیده گرفتن مسئله اسرائیل-فلسطین هزینه سنگینی برای آمریکا دارد، چیزی که خود وی با اقدام به پیگیری فرایند صلح آنابولیس در سال ۲۰۰۷ آن را فهمید. برخی هنوز معتقدند ناکامی در حل این مشکل به رهبران عرب این امکان را می‌دهد که افکار عمومی را از مشکلات داخلی منحرف کنند. برخی صاحب‌نظران معتقدند اوباما اگر واقعا در پی حل این بحران باشد باید در چهار سطح از مذاکرات آنابولیس استفاده کند؛ نخست، مذاکرات باید از سر گرفته شود و این نکته مورد تاکید قرار گیرد که توافق نهایی باید به سرعت حاصل شود، اگر چه برخی شکافها بر سر مسایلی مانند مرزها، آوارگان و بیت المقدس کمتر شده است. دوم، آمریکا باید فلسطینیان را به رعایت تعهد خود در مورد جنگ علیه نامنی و تروریسم تشویق کند. همچنان که هر دو طرف گامهایی در نقشه راه برداشته بودند. اوباما باید به اسرائیل بفهماند که از برنامه اسکان یهودیان به مدت ۶ تا ۱۲ ماه دست بکشد. سوم، وی باید از انتقال آزادانه مواد غذایی و نیز رفت و آمد مردم حمایت کند. سلام فیاض، نخست وزیر دولت خودگردان، و تونی بلر، فرستاده ویژه اتحادیه اروپا، پروژه‌هایی در جهت شکوفایی اقتصاد محلی و برداشتن ایستگاههای بازرسی راهبردی آغاز کرده‌اند. اوباما باید خواستار مشارکت فعالانه دولتهای عربی در فرایند صلح باشد. سایر کشورهای عضو اتحادیه عرب با پیروی از اقدامات عربستان خواهان عادی سازی روابط با اسرائیل شده‌اند، به این شرط که به مرزهای پیش از ژوئن ۱۹۶۷ برگردد و با ایجاد دولت فلسطینی موافقت کند. عدم پیشرفت در مذاکرات مربوط به شهرک سازی اسرائیل دولتهای عربی را از فرایند صلح آنابولیس سرخورده خواهد کرد. مشارکت اعراب در این روند کاری سخت نخواهد بود، به شرطی که ببینند مذاکرات در حال پیشرفت است و شهرک سازی متوقف شده است.

نوع برخورد با حماس که برنده انتخابات ژانویه ۲۰۰۶ شد و کنترل غزه را طی یک درگیری خونین با پلیس دولت خودگردان در دست گرفت، بسیار مهم است. به باور آمریکا

حماس موجودیت اسرائیل و توافقات قبلی فلسطینی‌ها با آن را به رسمیت نمی‌شناسد و به اقدامات خشونت‌آمیز دست می‌زند. با وجود کنترل غزه و برخورداری از حمایت ۱/۳ مردم فلسطین، فرایند صلح بدون مشارکت دادن آنها با شکست مواجه خواهد شد<sup>۲۴</sup> و البته نقش مهم ایران در حل منازعه اسرائیل - فلسطین انکار ناپذیر است. ضمن اینکه روی کار آمدن دولت تندرو بنیامین نتانیاهو شاید تلاش‌های اوباما را به چالش بکشد. در آخرین اقدام، دولت اسرائیل درخواست آمریکا مبنی بر توقف شهرک سازی در کرانه باختری را رد کرده است که این به معنای تیره شدن دورنمای صلح در منطقه است.

### افغانستان و پاکستان

اولین سفر خارجی تبلیغاتی اوباما به افغانستان بود. اوباما معتقد است بوش اشتباه کرده و کسانی که حملات ۱۱ سپتامبر را به وجود آوردند، در افغانستان بودند نه عراق. القاعده پیش از حمله آمریکا به عراق وجود نداشت.<sup>۲۵</sup> اوباما راهبرد خود را این گونه اعلام داشته که نیروهای آمریکایی را در یک بازه زمانی ۱۶ ماهه از عراق خارج و بخشی از آنها را به افغانستان اعزام خواهد کرد. این سیاست اوباما با جورج بوش که از کشورهای عضو ناتو می‌خواست تا نیروهای بیشتری به آن کشور اعزام کنند و خود نیز وعده افزایش نیرو را داده بود، تفاوت چندانی ندارد. اگرچه مبارزه با القاعده و نبرد با تروریسم علت اصلی حضور آمریکا در این کشور اعلام شده اما شاید بتوان اهمیت افغانستان برای آمریکا را در موقعیت ژئوپلیتیک و راهبردی این کشور در همسایگی با چین، هند، ایران، آسیای مرکزی و روسیه دانست.<sup>۲۶</sup> اوباما غیر از عقب نشینی نیروها از افغانستان، به افزایش تدریجی نیروها در آن کشور به همراه رفع محدودیتها در خصوص وظایف رزمی که بر برخی نیروهای ناتو اعمال شده، احساس نیاز می‌کند.

اوباما در سال ۲۰۰۴، زمانی که در مجلس سنا فعالیت می‌کرد، گفته بود که حملات موشکی بر ضد ایران و پاکستان شاید برای جلوگیری از دستیابی افراطیون به سلاحهای هسته‌ای لازم باشد. در سال ۲۰۰۷ وی اظهار داشت کاهش کمکها به پاکستان و حملات هدفمند به آن کشور در جنگ با القاعده لازم است. وی گفت: اگر ما اطلاعات خوبی در مورد

اهداف تروریستی ارزشمند داشته باشیم و مشرف کاری نکند، ما خود اقدام خواهیم کرد<sup>۲۷</sup> که این به معنای اعتماد کمتر به نیروهای نظامی پاکستانی خواهد بود. حال که مشرف از صحنه قدرت خارج شده و ارتش پاکستان مشغول مبارزه و نبرد با نیروهای طالبان در مناطق شمالی کشور است دیگر نیازی به اقدام آمریکا نیست؛ چرا که پاکستان خود خطر این گروه را به شدت حس کرده است.

### نتیجه گیری

۶۳

با توجه به مطالبی که مطرح شد به خوبی می توان دریافت که رویکرد اوباما در خاورمیانه در اساس تفاوت چندانی با سیاستهای بوش نخواهد کرد که این نشان دهنده اجماع میان حزبی در مورد منافع اصلی آمریکا در خاورمیانه است. اوباما تمامی عناصر دیدگاه بوش در قبال ایران را می پذیرد و معتقد است خطر ایران عمیق است و باید از همه عناصر قدرت آمریکا برای فشار بر ایران استفاده کرد. اظهارات اوباما مبنی بر اینکه با تمامی قدرت از دستیابی ایران به سلاح اتمی جلوگیری خواهد کرد، شاهد مثالی است بر این مدعا. در اساس راهبرد اوباما را می توان نسخه ای بهبود یافته از راهبرد سه ساله دولت بوش دانست: همراهی با متحدان اروپایی و روسیه، ارایه مشوقهای اقتصادی و سیاسی به ایران در عوض قطع برنامه های هسته ای و تهدید آن با خطر تحریم در صورت عدم قطع برنامه هایش. اوباما ایالات متحده را همراه با اروپایی ها به مذاکره مستقیم با ایران خواهد کشاند و شاید موافق مشوقهای بیشتر باشد. در عوض وی خواهان حمایت اروپا و شورای امنیت برای تحریمهای شدیدتر از دولت بوش مانند قطع واردات بنزین ایران است.<sup>۲۸</sup> اوباما همچنین برای رفع سوء تفاهمات نسبت به خود از سوی لابی های یهودی و اسرائیلی در جشن ۶۰ سالگی ایجاد اسرائیل در واشینگتن گفت که تعهدش به امنیت اسرائیل تزلزل ناپذیر است<sup>۲۹</sup> و این به معنای تعهد وی به مهار دشمنان اسرائیل نیز هست. اما نکته ای که باید به یاد داشت این است که اوباما در عرصه داخلی با مشکلات بزرگی روبه رو است که میراث دولت قبلی است. بحران مالی بی سابقه که بسیاری از شرکتهای و بانکها را به مرز ورشکستگی کشانیده اولین اولویتی خواهد بود که اوباما باید با آن دست و پنجه نرم کند. هزینه های فراوان آمریکا در عراق و

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

افغانستان که ناشی از یک جانبه گرایی بوش بوده، چنان تاثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر زندگی میلیونها آمریکایی گذاشته که امکان وقوع جنگی دیگر را منتفی ساخته است. هم از این روست که اواما خواهان مشارکت دادن بازیگران بیشتر و تاکید مجدد بر دیپلماسی به منزله ابزار سیاست آمریکا است؛ چرا که آمریکا دیگر نمی تواند اهداف خود را بدون حمایت متحدانی چون چین، روسیه و اتحادیه اروپا تحقق بخشد. مذاکره با دشمنان و کنار رفتن اقدام نظامی، دست کم از جایگاه یکی از اولویتها، چیزی است که اواما در پی آن خواهد بود. □





## پاورقیها:

1. Amr Hamzawy, "Obama's Middle East Policy: What the Arab World Expects," Available at: <http://www.carnegieendowment.org/publications/index.cfm?fa=view&id=22523&prog=zgp&proj=zme>
- ۲ . شهروند امروز، سال سوم، شماره ۵۶، ۶ مرداد ۱۳۸۷، ص ۳۸ .
- ۳ . همان، ص ۷۴ .
4. Pierre Tristam, "The Dovish Hawk," Available at; <http://middleeast.about.com/od/usmideastpolicy/a/me071202a.htm>
5. <http://origin.barackobama.com/issues/iraq>
6. Stephen Zenus, "Barack Obama on the Middle East," Available at: <http://www.fpif.org/fpif.txt/4886>
7. [http://www.Barackobama.com/2007/09/12/remarks\\_of\\_senator\\_barack\\_obama\\_23.php1](http://www.Barackobama.com/2007/09/12/remarks_of_senator_barack_obama_23.php1)
8. <http://origin.barackobama.com/issues/iraq>
9. Tristam, *op.cit.*
10. <http://www.bbcpersian.co.uk.com>
11. Ibid.
12. Rami Khouri, "Making sense on Iran in Washington," Available at: [http://belfercenter.ksg.harvard.edu/publication/18698/making\\_sense\\_on\\_iran\\_in\\_washington.html?breadcrumb=%2Fregion%2F153%2Firan](http://belfercenter.ksg.harvard.edu/publication/18698/making_sense_on_iran_in_washington.html?breadcrumb=%2Fregion%2F153%2Firan)
13. Richard Haas and Martin Indyk, "Beyond Iraq; A New Strategy for the Middle East," Available at: <http://www.foreignaffaires.com>.
14. Tristam, *op.cit.*
15. Stephen Zenus, *op.cit.*
16. Haass, *op.cit.*
17. [http://www.upi.com/Emerging\\_Threats/2008/12/03/Middle\\_East\\_policy\\_shift\\_needed\\_with\\_Obama/UPI-41491228359672/](http://www.upi.com/Emerging_Threats/2008/12/03/Middle_East_policy_shift_needed_with_Obama/UPI-41491228359672/)
18. Haass, *op.cit.*
19. Tristam, *op.cit.*
20. Haas, *op.cit.*
21. Zenus, *op.cit.*
22. Ibid.
23. Zenus, *op.cit.*
24. Haass, *op.cit.*
25. [http://www.barackobama.com/2007/09/12/remarks\\_of\\_senator\\_barack\\_obama\\_23.php1](http://www.barackobama.com/2007/09/12/remarks_of_senator_barack_obama_23.php1).

۲۶. شهروند امروز، پيشين، ص ۷۶.

27. Tristam, op.cit.

28. <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2008/06/06/AR2008060603646.html>

29. Tom Baldwin, "Barack Obama Sacks Adviser over Talks with Hamas," Available at: [http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/us\\_and\\_americas/us\\_elections/article3897414.e](http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/us_and_americas/us_elections/article3897414.e)

